

دوتا ۱۵۹	عهد عتیق ۶
	خروج - قسمت ۲
T = معلم ۱ (تعلیم توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه آموزشی فرصت خواهید داشت تا کتاب مقدس را بشناسید . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در دفترچه خود، یادداشت بردارید و یا برنامه را ضبط کنید . هفته گذشته نحوه به وجود آمدن کتاب خروج ، ویژگی های آن از لحاظ تاریخی ، تقسیم بندی آن به دو قسمت اصلی و محتوای آن را یاد گرفتیم . امروز پیغامهای اصلی موجود در کتاب خروج را یاد خواهیم گرفت .

نکته ۵ . پیغامهای اصلی کتاب خروج .

به طور کلی ، کتاب خروج مکاشفه ای از طرف خداست . هدف و موضوع خروج فرزند خواندگی یا پذیرش اسرائیل به عنوان قوم خداست این کتاب ، رهایی (فدیه) یا نجات اسرائیل را از خانه بندگی و تجدید عهد فیض خدا را با آنها به صورت ملی شرح می دهد .

اول . کتاب خروج ، نجات از خانه بندگی را تعلیم می دهد .

به خصوص بخش نخست خروج شرح می دهد که خدا چگونه قوم خود را از خانه بندگی یعنی مصر نجات می دهد . خروج سه حقیقت مهم را در مورد نجات تعلیم می دهد : خدا مردم را از بندگی گناه نجات می دهد . خدا با پایین آمدن به نزد مردم روی زمین و با عبور از بالای خانه هایی که نشانه خون را بر خود دارند آنها را نجات می دهد .

يك . خدا مردم را از بندگی گناه نجات می دهد .

کتاب پیدایش مربوط به گناه انسان با وجود شرایط عالی بهشت است . و مربوط است به گناه انسان در هنگامی که دنیا هنوز واحد بوده و تمام مردم يك فرهنگ و زبان و تجارت و تکنولوژی واحد و رو به پیشرفتی داشتند . و خطای انسان را حتی بعد از طوفان که خدا به آنها شروعی تازه بخشید نقل می کند . و حتی اشتباه او را وقتی که ظاهراً متعلق به قوم عهد خدا یعنی نسل ابراهیم بود نقل میکند . پیدایش در تمام شرایط گناه انسان را شرح می دهد . در حالیکه کتاب پیدایش شرح گناه انسان است کتاب خروج شرح رهایی یا نجات خدا است .

نجات از چی ؟ خانه مصر کشوری بود که در آن بتهای مکروه پرستیده می شد و این بزرگترین گناه در نظر خدای زنده بود . به علاوه خانه مصر کشوری بود که مردم را غلام خود می ساخت . " خانه مصر " نمونه یا سمبلی است از گناه . گناه یعنی استقلال از خدای کتاب مقدس یعنی خدای زنده و خدمت کردن بتهای مرده یا حتی خودتان به عنوان يك بت است . وقتی در گناه زندگی می کنید گناه شما را غلام خود می کند . شما نمی توانید خودتان را از دست گناه آزاد کنید . عیسی مسیح می گوید ، " هر که گناه می کند ، اسیر و برده گناه است " (یوحنا ۸ : ۳۴) . کتاب خروج شرح نجات خدا از خانه گناه و بندگی گناه است .

دو . خدا با پایین آمدن بر روی زمین مردم را نجات می دهد .

در خروج ۳ : ۸ خدا به موسی می گوید ، " آمده ام تا آنها را از چنگ مصری ها آزاد کنم و ایشان را از مصر بیرون آورده به سرزمین پهناور و حاصلخیزی که در آن شیر و عسل جاری است ببرم . " خدا به نزد قومش بر روی زمین پایین آمد . این قوم او نبود که بالا به نزد خدا رفت بلکه خدا بود که به نزد قوم خود پایین آمد . گرچه بسیاری از مردم سعی می کنند که با استفاده از نردبان مذهب و با تلاشهای خود به بالا به طرف خدا سفر کنند اما موفق نخواهند بود . کتاب مقدس می گوید " خدا ... ساکن در نوری است که کسی نمی تواند به آن نزدیک شود " (اول تیموتائوس ۶ : ۱۶) . هیچکس نمی تواند به نزد خدای رفیع بالا برود . فقط خود خدا می تواند به نزد انسان بیاید . اگر خدا به انسان نزدیک نمی شد هرگز انسان نمی توانست چیزی در مورد خدا بداند . اما کتاب مقدس می گوید ، خدا به نزد انسان پایین آمد . او به نزد مردم زمین نزول نمود تا بر تمام مردم زمین آشکار کند که او کیست و قوم خود یعنی کسانی که به او ایمان می آورند نجات بخشد .

سه . خدا با عبور از بالای خانه هایی که نشانه خون را بر خود دارند مردم را نجات می بخشد .

زمانیکه خدا برای تنبیه ظالمان نزول نمود به ایمانداران فرمان داد که خون بره ای را بیرون از در خانه خود بمالند . در خروج ۱۲ : ۲۳ می خوانیم ، " آن شب خداوند از سرزمین مصر عبور خواهد کرد تا مصریان را بکشد ولی وقتی خون را روی تیرهای دو طرف در و سر در خانه هایتان ببیند از آنجا می گذرد و به هلاک کننده اجازه نمی دهد که وارد خانه هایتان شده شما را بکشد . " خدا عبور کرده و بعضی را داوری نخواهد کرد .

وقتی خدا آن خون را می دید از آن خانه عبور می کرد و نخست زاده آن خانه را نمی کشت . این یعنی خدا فقط نزول نکرد تا بعضی مردم را نجات دهد بلکه بعضی را هم داوری کند .

از آنانی که عبور نکرد داوریشان کرد و از آنانی که عبور کرد نجاتشان داد .

یعنی خدا فقط وقتی آن خون بره را بر در خانه بنی اسرائیل دید از گناهشان گذشت .

سالها بعد در اشاره به عیسی مسیح یحیی نبی گفت ، " نگاه کنید . این همان بره ای است که خدا فرستاده تا برای آمرزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود " (یوحنا ۱ : ۲۹) خدای کتاب مقدس فقط وقتی از گناهان شما می گذرد که به عیسی مسیح ایمان بیاورید که مرد و خونس را به خاطر گناهان شما ریخت .

دوم . کتاب خروج تجدید عهد فیض خدا را به صورت ملی تعلیم می دهد .

خروج بوضوح سه اصل مهم را در ارتباط با عهد خدا با اسرائیل شرح می دهد : اساس عهد خدا فیض است . شرط عهد خدا ایمانی است که با اطاعت نشان داده می شود . هدف عهد خدا جلال دادن خدا با زندگی ای مقدس است .

يك . اساس عهد خدا ، فیض خدا است .

در پیدایش فصلهای ۱۲ و ۱۵ و ۱۷ خدا با ابراهیم عهد می بندد که نسل او چند برابر خواهد شد ، که نسل او را به سرزمین موعود خواهد آورد و تمام قومهای جهان را از طریق يك فرزند ابراهیم برکت خواهد داد . خدا این وعده ها را به ابراهیم داد اما نه به دلیل اینکه او شایسته آن بود بلکه فقط به خاطر فیض خود . و ابراهیم به خدا ایمان آورد . او ایمان آورد که خدا به کلامش عمل خواهد کرد و او قادر است که وعده هایش را به انجام برساند .

عبرانیان ۱۱ : ۱۰ - ۱۶ تعلیم می دهد که ابراهیم و تمام ایمانداران واقعی نه مشتاق وطن زمینی بلکه وطن آسمانی خود یعنی اورشلیم جدید هستند که خود خدا معمار و بنا کننده آن است . آنها با وجود فاصله ، انجام وعده های ابراهیم ، اسحاق و یعقوب را پذیرفتند . آنها به مسیح موعود آینده ایمان داشتند که خدا از طریق او تمام قومهای جهان را برکت خواهد داد . خدا این عهد را با نسل های ابراهیم ، اسحاق و یعقوب تجدید کرد . در خروج ۶ : ۷ خدا وعده می دهد ، ” آنها را قوم خود خواهم ساخت و خدای ایشان خواهم بود و آنها خواهند دانست که من خداوند ، خدای ایشان هستم که ایشان را از دست مصریان نجات دادم . ” و در خروج ۱۹ : ۶ - ۷ وعده داد ، ” اما شما برای من ملتی مقدس خواهید بود و چون کاهنان مرا خدمت خواهید کرد . ” خدا این وعده را به اسرائیل داد ولی نه به خاطر شایستگی آنها بلکه فقط به خاطر فیض خود .

دو . شرط عهد خدا ایمانی است که با اطاعت خود را نشان می دهد .

عهد خدا بدون شرط نیست . در خروج ۱۹ : ۵ خدا می گوید ، ” اگر مطیع من باشید و عهد مرا ننگه دارید از میان همه اقوام ، شما قوم خاص من خواهید بود . ” ابراهیم به وعده عهد خدا ایمان آورد و خدا او را عادل شمرد (پیدایش ۱۵ : ۶) . و ابراهیم با ایمان از خدا اطاعت کرد (پیدایش ۲۲ : ۱۸ و عبرانیان ۱۱ : ۸) . اگر اسرائیل واقعا به کلام خدا ایمان می آورد پس از آن اطاعت می نمود . شرط اساسی ایمانی که خود را با اطاعت نشان می دهد هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید تنها شرط نجات است . به همین دلیل پولس بعدها می گوید که خدا به او این وظیفه را داد که ، ” به همه اقوام اعلام کنیم که او چه لطف عظیمی نموده است تا ایشان نیز به عیسی مسیح ایمان آورند و از او اطاعت کنند . ” (رومیان ۱ : ۵)

و انجیل اعلام می شود تا مردم در سراسر جهان به مسیح ایمان بیاورند و از او اطاعت کنند (رومیان ۱۶ : ۲۶) . و به همین خاطر است که پطرس رسول می گوید ، ” خدا ... شما را برگزید ، زیرا روح خدا نیز شما را با خون عیسی مسیح پاک ساخته تا بتوانید طبق خواست مسیح زندگی کنید . ” (اول پطرس ۱ : ۱ - ۲) . و به همین دلیل است که یعقوب می گوید ، ” ایمان او به خدا باعث شد که او از خدا کاملا اطاعت کند در واقع ایمان او با اعمال و رفتارش کامل گردید ” (یعقوب ۲ : ۲۲) .

سه . هدف عهد خدا جلال دادن خدا با زندگی ای مقدس است .

هدف از انتخاب اسرائیل و دعوت اسرائیل به اینکه قوم خدا باشد این بود که قومی مقدس وجود داشته باشد که خدای کتاب مقدس را در میان تمام قومهای جهان جلال دهد (تثنیه ۷ : ۶) .

در خروج ۱۹ : ۴ - ۶ خدا می گوید ، ” شما را برداشته پیش خود آوردم اما شما برای من ملتی مقدس خواهید بود . ” مقدس یعنی جدا شده از گناه و فقط وقف خدا بودن . خدا می خواست اسرائیل قومی باشد جدای از تمام انواع گناه و جدای از بتهای مصر و کنعان . او میخواست اسرائیل قومی باشد فقط وقف پرستش و خدمت خدا .

دلیل انتخاب مردم در عهد جدید و عهد عتیق درست مشابه یکدیگر است . پولس رسول می گوید ، ” خدا ما را برگزیده است تا در اثر آن فداکاری که مسیح در راه ما کرد از آن او گردیم . خدا از همان زمان اراده نمود تا ما را در نظر خود پاک سازد به طوری که حتی يك کلمه نیز در ما یافت نشود (افسیسیان ۱ : ۴) . و پطرس رسول می گوید ، ” از خدا اطاعت نمایید چون فرزندان او می باشید . پس بار دیگر به سوی گناهایی که در گذشته اسیر آنها بودید نروید زیرا آن زمان نمی دانستید چه می کنید . به همین جهت در تمام رفتار و کردار خود پاک و مقدس باشید زیرا خداوند نیز پاک و مقدس است همان خداوندی که شما را خوانده تا فرزند او باشید ، زیرا من پاک هستم . ” (اول پطرس ۱ : ۱۴ - ۱۶) .

سوم . کتاب خروج تعلیم می دهد که خدا از ابزارهای انسانی برای نجات مردم استفاده می کند .

نقش موسی در نجات ، بعنوان ابزاری انسانی و خادم خدا است . کتاب خروج دو حقیقت مهم را در مورد موسی تعلیم می دهد : خدا از انسانهایی معمولی که هم دارای ضعف و هم دارای قوت هستند استفاده می کند و موسی نمونه ای است از شفیع موعود یعنی عیسی مسیح .

يك . خدا به جای ضعفهای موسی از قوتهای او استفاده کرد .

موسی در چهل سال اول زندگیش فکر می کرد شخص مهمی است . اعمال ۷ : ۲۲ نقل قول می کند که موسی در بارگاه فرعون تمام حکمت مصر را فرا گرفت ، او ناطقی برجسته و در عمل قدرتمند بود . بدین ترتیب او خواندن و نوشتن را یاد گرفت و با انواع و محتوای قوانین باستانی قومها آشنا بود . موسی مردی زود خشم بود و با عصبانیت يك مصری را کشت و به مدیانه واقع در عربستان شمالی فرار کرد .

و بعد در چهل سال دوم زندگیش فهمید که او اصلا مهم نیست .

در آنجا در مدیانه خدا شخصیت موسی را تراشید و خود را بر موسی آشکار ساخت . موسی در آنجا ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد . بین چهل تا هشتاد سالگی موسی در بیابان زندگی کرد به نظر می رسید که مصریان و قوم او در مصر او را کاملا فراموش کرده بودند .

بالاخره در چهل سال آخر زندگیش موسی فهمید که خدا می تواند از طریق يك شخص بی اهمیت چکارهایی بکند . بعد از سالها زندگی در بیابان حرف زدن با مردم برایش بسیار مشکل بود ولی با این وجود با قدرتمندترین انسانهای دنیا سخن گفت . زمانیکه موسی از طریق بیابانهای سینا به طرف مرزهای کنعان ، اسرائیل را به خارج از مصر هدایت می کند هم قصورات و هم امتیازات او را می بینیم .

او مردی زود خشم است او به جای اطاعت از فرمان خدا و دستور دادن به صخره با عصا به آن زد تا آب از آن جاری شود .
الواح ده فرمان را در حین عصبانیت از بت پرستی اسرائیل پرتاب کرد و شکست .
اما او مردی متواضع بود (اعداد ۱۲ : ۳) و علیه رهبری خود بسیاری از شکایات و انتقادات را تحمل می کرد .
موسی مردی خود خواه نبود . بعد از اینکه قوم بت پرست اسرائیل گوساله طلایی را به عنوان بت ساخت خدا می خواست اسرائیل را نابود کند و از او قوم جدیدی بوجود آورد اما موسی از خدا خواست که اسرائیل را نابود نسازد .
موسی مردی وفادار بود او گاهی از اسرائیل بسیار ناامید می شد اما در خدمت خدا و خدمت قوم خدا سالها و سالها با استقامت ادامه داد .

موسی مرد ایمان بود . چون او به آنچه خدا گفته بود ایمان آورد از او اطاعت کرد و آنچه او خواسته بود انجام داد . در عبرانیان ۱۱ : ۲۴ - ۲۷ می خوانیم . ” در اثر ایمان بود که موسی ، وقتی بزرگ شد نخواست در کاخ فرعون بماند و نوه او نامیده شود او ترجیح می داد همراه با خلق رنج دیده خدا متحمل مشقات شود تا اینکه در کاخ سلطنتی چند روزی از گناه لذت ببرد . در نظر او تحمل زحمت و ننگ در راه مسیح ، بسیار با ارزش تر از تمام خزاین و گنجهای مصر بود زیرا او چشم انتظار آن پاداش بزرگی بود که خدا وعده داده بود . به خاطر ایمان به خدا بود که او بدون ترس از غضب پادشاه ، مصر را ترک گفت و استوار به پیش رفت همچون کسی که خدای نادیده را در مقابل دیدگان خود دارد .“

یو . خدا از موسی نمونه ای ساخت از شفیع موعود یعنی عیسی مسیح .

خروج از موسی به عنوان شفیع دو حقیقت مهم به ما تعلیم می دهد . فقط موسی می توانست به خدا نزدیک شود و بین خدا و قوم شفاعت کند . و خدا تمام شریعت خود را به موسی داد تا در کتابی آن را بنویسد و به اسرائیل تعلیم دهد .
فقط موسی می توانست به خدا نزدیک شود و بین خدا و انسان شفاعت کند . در خروج ۱۹ : ۷ - ۸ خدا فرمان داد که موسی تمام حرفهای او را برای اسرائیل بازگو کند . و اسرائیل نیز از موسی خواست که به جای آنها با خدا حرف بزند . در خروج ۱۹ : ۱۷ - ۲۳ موسی قوم را به خارج از اردوگاه برد تا با خدا ملاقات کنند و او با خدا سخن بگوید و فقط خدا به موسی اجازه داد تا برای ملاقات با او به بالای کوه بیاید . خدا دور تا دور کوه حدودی قابل رویت تعیین نمود تا مردم معمولی نتوانند به خدای زنده و قدوس نزدیک شوند

در خروج ۲۰ : ۱۸ - ۲۱ می خوانیم که چطور مردم معمولی از وجود واقعی و حضور خدای زنده از ترس می لرزیدند . اگر چه خدا رفیع و عالی است اما به موسی اجازه داد که به او نزدیک شود . در خروج ۲۴ : ۱ - ۲ خدا به موسی فرمان می دهد ، ” تو و هارون و ناداب و ابیهو با هفتاد نفر از بزرگان اسرائیل نزد من به کوه بر آید ولی به من نزدیک نشوید بلکه از فاصله دور مرا سجده کنید . تنها تو ای موسی به حضور من بیا ولی بقیه نزدیک نیایند . هیچ يك از افراد قوم (معمولی) نیز نباید از کوه بالا بیایند .“ در خروج ۳۳ : ۷ - ۱۱ می خوانیم که موسی به طور مرتب در خیمه عبادت در خارج از اردوگاه خدا را ملاقات می کرد . هرگاه موسی به طرف خیمه عبادت می رفت تمام قوم دم در خیمه های خود می ایستادند و رفتن او را به داخل خیمه تماشا می کردند . زمانیکه موسی وارد خیمه عبادت می شد ستون ابر که نشانگر جلال خدا بود نازل شده و بر در خیمه می ایستاد بعد قوم اسرائیل در برابر در خیمه های خود خدا را پرستش می کردند و ” خداوند مانند کسی که با دوست خود گفتگو می کند با موسی رو در رو گفتگو می کرد .“

خدا تمام کلام و شریعتش را به موسی داد تا آن را بنویسد و به اسرائیل تعلیم دهد . در خروج ۲۵ : ۲۲ می خوانیم بعد ها که خیمه ساخته شد خدا به موسی فرمان داد و گفت : ” آنگاه من در آنجا با تو ملاقات خواهم کرد و از میان در فرشته ای که روی تخت رحمت قرار گرفته اند با تو سخن خواهم گفت و دستورات لازم را برای بنی اسرائیل به تو خواهم داد .“ در غلاطیان ۳ : ۱۹ - ۲۰ می خوانیم خدا احکام خود را از طریق فرشته ها و توسط يك شفیع ، که نماینده مردم و خدا بود ، در دسترس مردم قرار داد . پس کتاب مقدس می گوید موسی يك شفیع بود .

در یوحنا ۱ : ۱۷ یوحنا رسول می گوید ، ” خدا احکام خود را توسط موسی به مردم داد ، اما راستی و محبت را به وسیله عیسی مسیح عطا فرمود .“ و در عبرانیان ۳ : ۱ - ۶ می خوانیم ، ” عیسی به خدا که وی را به احکام کاهن اعظم منصوب کرده بود وفادار بود همانگونه که موسی در خانه خدا وفادارانه خدمت می کرد .“ خدمت موسی اسرائیل را به عنوان يك قومی که دارای شریعت و بنیادهای الهی سازماندهی کرد . موسی سایه یا نمونه ای از شفیع واقعی یعنی عیسی مسیح بود . عیسی مسیح در آینده از هر آنچه موسی در خانه خدا یعنی در بین قوم خدا انجام داد فراتر خواهد رفت . در حالیکه موسی فقط خادم خانه خدا بود عیسی مسیح سازنده خانه خدا است . در عهد عتیق خانه خدا بیانگر تمام کسانی است که از خدای کتاب مقدس می ترسند و به او ایمان دارند . در عهد جدید خانه خدا بیانگر تمام کسانی است که از بین تمام قوما به عیسی مسیح ایمان دارند و در ایمانشان به عیسی مسیح پایدار می باشند .

چهارم . خروج تعلیم می دهد که نجات از طریق ایمان است و نه با اعمال شریعت .

خروج در ارتباط با شریعت دو حقیقت مهم را تعلیم می دهد . شریعت عهد عتیق در زمینه نجات داده شد و شریعت ابدی خدا در ده فرمان خلاصه می شود .

يك . شریعت ابدی خدا در ده فرمان خلاصه می شود .

خروج تعلیم می دهد که ده فرمان خلاصه شریعت اخلاقی خدا است . گرچه به موسی فرمان داده شد تا سایر موارد شریعت را در کتابی ثبت کند اما ده فرمان را خود خدا با انگشتانش بر دو لوح سنگی نوشت . در واقع این نشان می دهد که ارزش ده فرمان بیشتر است از سایر موارد شریعت عهد عتیق .

در عهد جدید عیسی می گوید که دوست داشتن خدا و دوست داشتن همسایه همچون نفس خویش بزرگترین فرمان از بین فرمانهای الهی است (مرقس ۱۲ : ۳۰ - ۳۱) و پولس رسول تعلیم می دهد که محبت خدا و همسایه تان انجام کل شریعت عهد عتیق است . (رومیان ۱۳ : ۱۰) .

دو. شریعت عهد عتیق خدا به اسرائیل ، در زمینه نجاتشان داده شد .

در خروج ۲۰ : ۱ - ۲ خدا می گوید ، ” من خداوند ، خدای تو هستم همان خدایی که تو را از اسارت و بندگی مصر آزاد کرد . “ خدا ده فرمان را به قومش نداد تا به عنوان شرط نجات آن را انجام دهند . نه ، خدا فقط بعد از اینکه آنها را از خانه بندگی بیرون آورد و آنها را از بت ها و گناهانشان نجات داد ، ده فرمان را به آنها داد . خدا فقط بعد از اینکه بر اساس فیض و رحمت خود قومش را نجات داد به آنها قوانینی داد تا بر اساس آن باید زندگی می کردند .

هدف از شریعت تشریفاتی عهد عتیق تعلیم قوم خدا بود که چگونه در پرستش به خدا نزدیک شوند و هدف از شریعت مدنی در عهد عتیق تعلیم قوم خدا بود که چگونه حکومت و دولتی الهی سازمان یافته ای داشته باشند که خدا پادشاه آن است . و هدف از شریعت اخلاقی این بود که قوم خدا بدانند چگونه به عنوان قوم مقدس خدا در این دنیا زندگی کنند .

چهار مورد اول ده فرمان تعلیم می دهد که چگونه باید خدا را محبت کنند . آنها فقط باید خدای زنده و واقعی کتاب مقدس را پرستش کنند و هیچ نوع بتی نباید داشته باشند . آنها باید به خدا احترام بگذارند و هر هفته باید وقتی را به طلبیدن ، پرستش و خدمت خدا بدهند . شش فرمان آخر تعلیم می دهد که قوم خدا یکدیگر را باید دوست داشته باشند . باید به والدین خود احترام بگذارند . نباید هیچ انسانی را بکشند . نباید مرتکب زنا یا هر نوع فساد جنسی شوند . نباید دزدی یا کلاه برداری کنند و یا رشوه خواری کنند . نباید دروغ بگویند و یا علیه اشخاص بی گناه شهادت دروغ بدهند و نباید آرزو اموال ، قدرت ، شهرت و یا موفقیت سایر مردم را داشته باشند .

تکلیف برای هفته آینده

اول. در طی هفته آینده ، لاویان ۱۶ : ۲۷ را بخوانید . هفته آینده کتاب لاویان را معرفی خواهیم کرد .

دوم. کتابهای دستور عمل ” بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید ” را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید .

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه ” دوره شاگردسازی از رادیو ” گوش کنید .